**دین هندویی**

دین هندویی، که شاید متعلق به 1500 سال پیش ازمیلاد مسیح می باشد، قدیمی ترین دین زندۀ جهان

است، به طوری که درسرشماری سال 1951میلادی(1330شمسی) پیروان آن درهند000/200/303 نفرذکر

شده اند. درخلال دهه های 1935تا1951میلادی، بر تعداد پیروان این دین 64 میلیون نفر اضافه شده که

متجاوز از سه میلیون نفر در سال است. این دین جز درمواردی که هندوها مهاجرت کردند، عمدتاً در هند

محصور بود. این دین از نظر اعتقاد به نظام طبقاتی – اجتماعی کاست دینی منحصر به فرد است. درجامعۀ

هند چهار کا ست یا طبقه وجود دارد که افراد هر طبقه باید شغل موروثی پدران خود را داشته باشند و از

ازدواج با افراد طبقۀ دیگر، و یا حتی خوردن غذا سر میز آنها، خودداری کنند.

این طبقات به ترتیب اهمیت عبارتند از:

برهمن ها که طبقه روحانیون و علمای دینی هستند؛ کشاتریاها، که طبقۀ حکام وجنگجویان هستند؛ وایشیه

ها، طبقۀ کشاورزان و صنعتگران اند؛ و در آخر شودراها، که طبقۀ پایین جامعۀ هند هستند. تقسیم طبقات

همچنان ادامه پیدا می کند به طوری که امروزه بیش از پنجاه و هشت طبقۀ فرعی در هند وجود دارد که هر

یک متجاوز از یک میلیون پیرو دارند. علاوه بر این حدود پنجاه میلیون نفر هم هستند که به نامهای‌مختلفی

مانند« بی طبقه» یا « خارج از طبقه»، « هاریجان ها»- بندگان خدا، نامی که گاندی روی آنها گذاشته بود-

« نجس ها»، و یا از نظر حقوقی« طبقات ضمیمه» خوانده می شوند. اعتقاد الهی آنها یک وجود الهی به نام

برهماست که حضور مطلق دارد، و درعین حال شش مذهب مختلف را دردرون خود پرورش داده است.

دین هندویی عبارت ا‌ست از رشد تدریجی و پیچیدۀ گروهی از افراد بسیار مذهبی با طبایع متفاوت. این دین

با اعتقاد به یک روح جهان شمول، و از طریق کنترل عملی جامعه به وسیلۀ نظام طبقاتی کاست، گسترش

پیدا کرده است. کتاب مقدس آنها کتابهای « ودا» به معنی « د‌انش» است. هریک ازمکا‌تب دین هندویی

وداهای خاص خود را دارند.

چهار ودای قدیمی عبارتند از: ودای مزامیر یا ریگ وادا ؛ ودای فرمولهای مقدس یا یاجورودا ؛ ودای آوازها یا

ساما ودا ؛ و ودای افسونها یا آتاروا ودا. قدیمی ترین کتاب دینی در میان ادیان زنده جهان « ریگ ودا» است.

معتقدین هندویی تصور می کنند که کتاب ریگ ودا هم از لحاظ لفظی و هم از نظر مصون بودن از اشتباه،

معتبر است. این کتاب بیشتر مبتنی بر طبیعت پرستی است، و شامل حمد و نیایشهای فراوان نسبت به

حدود هفتاد و شش موضوع است که بیشتر آنها در مورد قدرتهای طبیعی مانند: خورشید، ماه، آسمان، باد،

باران، طلوع، زمین، آتش و...میباشند. مهمترین خدای وداها« ایندرا» خدای هوا و باران است. یکی از دو

خدای آسمان به نام«دیائوسپیتار» خدای پدر یا پدر آسمان است «آسمان پدر من است، جد من ! در آنجا ریشه و

آغاز من است»(ریگ ودا، بخش 164، ص33).

درریگ ودا فقط یک بار ازچهار طبقه اجتماعی هندوئیسم بحث شده است: «**دهان اوتبدیل به برهمن گشت.**

**بازوهای او کشاتریا شدند. را نهای او وایشیه هستند. شودرا از پاهای او بوجود آمد**»( ریگ ودا، جلد10، بخش

90، ص12). در ریگ ودا راه اصلی رستگاری، نیایش است[[1]](#footnote-1)(هیوم، 1382: 43-49).

1**- دین هندویی کاهنان: دین برهماناها(سالهای 1000تا800پیش از میلاد)**

اولین جنگ بزرگ هندوها، به هنگام تهاجم اولیه به هند، با نیایشها و قربانیهای قراوانی همراه بود. در این

دوره تاریخی دین ساده ودایی، به صورت یک نظام سلطۀ سخت، آداب چشمگیر دینی، هدایای گوناگون

‌مادی، و قربانی کردن حیوانات همراه با خون وخونریزی درآمد، که به طور کامل تحت کنترل روحانیون

برهمن‌ بود.

نوع جدیدی از نوشته های دینی و دین جدیدی ظاهر شد. برهماناها، که امور مربوط به روحانیون ویا برهمن

هاست؛ مجموعه ای از یک سلسله رسائل جامع در مورد دین استکه به نثر درآمده است. به طور کلی‌شامل

دستورالعمل هائی در مورد آیینهای مختلف قربانی و پاره ای افسانه های دینی هستند. بخصوص تاکید آنها

روی قربانی هاست« **مسلماً اگر راهب برهمن قربا‌نی نکند، خورشید طلوع نخواهد کرد**»(ساتاپاتابرهمانا، جلد2،

بخش301، ص5، به نقل از کتب مقدس شرق، جلد12، ص328).

در میان آثار ادبی جهان برهمانهای دین هندوئی قدیمی ترین آثار منثور هند و اروپائی هستندکه هنوز هم

وجود دارند. مهمترین مراسم قربانی هم به نام «آسوه- مدها» و یا قربانی اسب است که یک سال برای‌تکمیل

آن وقت لازم است. این کار در ابتدا با قربانی کردن 609 حیوان باترتیب از پیشتعیین شده صورت می‌گیرد

(کتب مقدس شرق، جلد44،ص311).

 « **هر کس آیین آسوه- مدیا را به جای آورد به تمام آرزوهای خود می رسد و به تمام فضایل و کمالات نایل**

**می‌شود**»(کتب مقدس شرق، جلد44، ص347»

«**این عمل کفّاره هرگناهی و درمان هر چیزی است، کسی که این قربانی ــ آسوه مدها ــ را انجام دهد تمام**

**گناهان خود را باز می خرد**»(کتب مقدس شرق، جلد44، ص328).

چون عمل قربانی کردن به دست روحانیون آنها انجام می شد خدایان قدیمی وداها کم کم بی اهمیت شدند

واعلام شد که این خدایان فنا پذیربوده واکنون ازطریق آیین قربانی به درجه فنا ناپذیری رسیده اند(کتب

مقدس شرق،جلد43،صص7-356).

دربرهماناها پاره ای بدعتها صورت گرفت که در تمام صور بعدی دین هندویی استمرار یافت. در جریان‌تأکید

برنظام طبقاتی دین هندویی ـ نظام کاست ـ که روحانیون در بالاترین طبقات آن قرار دارند، طبقۀ پایینِ

سودراها بیش ازپیش خوار تلقی می شوند. به طوری که گفته شد نه خدایان ونه روحانیون برهمن با افراد

این طبقه صحبت نمی کنند( کتب مقدس شرق،جلد26،ص4).

برای اولین بار در تاریخ دین هندویی محدودیتهایی در مورد خوردن گوشت گاو(کتب مقدس شرق،جلد26،

ص11)، ویا غزا خوردن زن در کنار شوهر(کتب مقدس شرق، جلد12، ص259؛ جلد43،صص70-369) وضع

شد. عقیده به تناسخ نیز اولین بار در برهماناها مطرح شده است(کتب مقدس شرق،جلد26،ص11؛ جلد43،

ص358).

**2- دین هندویی فلسفی: اوپانیشادها(800تا600 سال پیش ازمیلاد)**

یکی از ویژگی های مردم هند تأ ملات فلسفی بود. این خصلت را می توانیم برای نخستین بار در تأملات

فلسفی که در مورد مبدأ جهان، حتی درکتب مقدس اولیه به عمل آمده است،مشاهده کنیم(ریگ ودا،

جلد10،صص72،81،121،129؛ آتاروا ودا،جلد10،صص2،7).

اما سلطه این تفکربه دورۀ سوم کتب مقدس دین هندویی یعنی دورۀ اوپانیشادها ویا سانس ها، که در آن

حتی جوانان وزن ها نیز به بحث فلسفی علاقه نشان می دهند، مربوط می شود.اوپانیشادها بیانگر نوع

جدیدی از تفکر دینی هستند که محور آن در مفهوم «برهما »قرار دارد. در متون مقدس وداها وبرهماناها

کلمه «برهما» به معنی «نیایش» ویا« زمزمۀ مقدس» ویا «دانش مقدس» بوده است.

اما درمتن اوپانیشادها از آن برای مشخص کردن یک ذات متعال استفاده می شود. دراین متون خدایان

ودایی به گونه ای عرضه شده اند که گویی اصلاً از برهما خبر نداشته اند(هیوم، سیزده اوپانیشاد اصلی،

صص9-337).

تمام خدایان ودایی ودر حقیقت همه اشیا وپدیده ها را باید به عنوان جلوه ها ومظاهر یک قدرت واحد که

درقلب عالم وجود دارد بدانیم. در زبان دین سنتی آن را می توان قدرت نیایش(برهما) نامید. اما از لحاظ

فلسفی این برهما را باید به عنوان وجودی مطلق، نامحدود، ابدی، حاضرمطلق، فاقد تشخّص، غیرقابل

توصیف، وغیر مذکر یا مؤ نث تفسیر کرد. همچنین آن را روح«آتمن»، روحی جهانی که ارواح فردی به آن

خواهند پیوست، نیزمیتوان نامگذاری کرد.

این عبارت در متن اوپانیشادها بیش از همه نقل می شود:

«**آن روح! آن روح تو هستی!» این عبارت 9 بار در چاندوگیا اوپانیشاد تکرار شده است**؛( نگاه کنید به کتاب

سیزده اوپانیشاداصلی، نوشته رابرت ا هیوم، صص 250-246و کتب مقدس شرق، جلد1،صص108-101).

 « **کسی که بدین ترتیب می داند من برهما هستم! خود نیز به برهما تبدیل می شود. حتی خدایان نیز قدرت**

**ندارند، جلوی برهما شدن او را بگیرند، زیرا او تبدیل به روح( نفس، آتمن) آنها شده است**» (سیزده اوپانیشاد

اصلی، صص4-83؛ کتب مقدس شرق، جلد15، ص88).

ازآنجایی که برهما، روح عالم یا حقیقت نهایی از تمام خوب وبد و درست وغلط متعالی تر است، کسی که به

وسیلۀ ریاضتهای خاص روحانی ونفسانی به درجه وحدت با آن هستی متعال روشن وزلال، می رسد نیزبه

همان صورت از همه تمایزات اخلاقی فراتر می رود(سیزده اوپانیشاداصلی،صص 300-299، 277-276، 169

، 144-143، 136).

« **چنین فردی هر آیینه خود را دچار این گونه فکر وخیالهای زجر آور نمی کند که چرا مثلاً فلان کارخوب را انجام**

**نداده ام؟ ویا چرا فلان کار بد را انجام دادم؟ کسی که برهما را می شناسد خود را ازدست این هردو فکرخلاص می**

**کند. زیرا در حقیقت کسی که به این معرفت نایل شده خود را از دست هر دوی اینها نجات داده است. این همان**

**نظریه سرپوشیدۀ اوپانیشاد است**» (سیزده اوپانیشا اصلی، ص289؛ کتب مقدس‌شرق...، جلد15، ص63).

نباید تصور کرد که تمام هندوها نسبت به مذهب خود یکسان فکر می کنند. تا این زمان شش‌مکتب‌ارتدکس

تفسیر فلسفی دین هندویی را به رسمیت شناخته اند، مکاتبی که هم از لحاظ عملی وهم از لحاظ نظری با

یکدیگر اختلاف دارند. بسیاری از هندوهای اندیشمند در مورد ارزشهای اخلاقی، حتی وقتی این ارزشها را

داری اهمیتی ثانوی می دانستند، بی تفاوت نبوده اند. با وجود آن که اصول اخلاقی به خودی خود برای

کسب رستگاری کافی نیست، از نظر آنها این رستگاری تنها از طریق معرفت به دست خواهدآمد. دربعضی از

مکاتب یوگا به این مطلب اشاره شده است که بدون کسب فضایل اخلاقی فرد نمی تواند در راه درک حقیقتِ

وجود خود گام نهد.

در« آرونیا اوپانیشاد» ریاضت یوگا به عنوان وسیلۀ ترک شهوت، غضب، حرص، اشتباه، تقلب، غرور، حسادت،

خودپرستی، خودستایی، دروغ، وسیله کسب واجرای پاکدامنی، لطمه نزدن به جانداران دیگر، وخالی شدن از

تملّکات دنیوی مقرر شده است( توضیح بیشتر درکتاب اصول اخلاقی هند، نوشته هاپکینز،فصل چهارم).

دین هندویی درمتن اوپانیشادها، هنوزهم اعتقاد به نظام طبقاتی کاست را به عنوان یک امر فطری می پذیرد

هرچند که اکنون \_ درتفکر اوپانیشادی \_ آن را مخلوق برهما میداند(سیزده‌اوپانیشاد اصلی، صص85-84).

اما بنابر تعلیمات اوپانیشاد، رستگاری را باید از طریق تأملات فلسفی ووحدت وجودی خود شخص پیرامون

یک وجود متعال کسب کرد(هیوم،1382: 4955).

3**- دین هندویی حقوقی: قوانین مانو(250سال پیش از میلاد مسیح)**

سه کتاب مقدس دین هندویی، ریگ ودا، برهماناها واوپانیشادها، به ترتیب دین را به عنوان این که دراصل

یک عمل عبادی ویا نیایشی است ، ویا این که مبتنی بر دادن فدیه ومراسم قربانی است، واین که دین‌اساساً

تأملی فلسفی است، تفسیر کرده بودند. اما این دین به عنوان یک نهاد اجتماعی جبری با پاره ای مقررات و

مُنهیات در مورد زندگی روزمرۀ مردم مطرح شد.

کتاب قانون مانا درمیان مجموعه قوانین هندویی بیشتر از همه مورد اعتماد بوده و نافذ است. درفصول

دوازده گانه این کتاب پاره ای نصایح حکیمانه به چشم می خورد؛ مانند: اطاعت توام با احترام نسبت به

والدین ومعلمان(فصل دوم، صص9-225)، توبه واقراربه گناه(فصل یازدهم، صص231-228)، راستی

ورزیدن(فصل نهم،ص99)، باحرمت غذا خوردن(فصل2، صص6-54).

در مانو نظام طبقاتی چهارگانه کاست به طور مفصل بیان شده است. اصناف این طبقات به همراه مشاغلی

که هریک به آن سرگرم هستند، از نخستین مخلوقات الهی هستند که برای رفاه جهان خلق شده اند(فصل

اول، صص 93-87، 31؛ فصل دهم، ص45؛ فصل یازدهم، ص236). طبقۀ برهمن به خاطر تولدش که تجسم

های خداست، درموضع برتری دائمی قرار داده شده است( فصل اول،صص100-99؛ فصل نهم، صص 19-3

317؛ فصل یازدهم،ص35). درمقابل این طبقه، طبقه کاست در موضع پست ، حتی از نظر اقتصادی، قرار

دارد(فصل دوم، صص39-103؛ فصل چهارم،صص61؛ 81-79، فصل هشتم، صص17-413؛ فصل نهم، صص

5-334؛ فصل دهم، صص56-51، 125-121، 129؛ فصل یازدهم، ص13).

درتصویر چهارمرحله «آسرامه» درزندگی هر فرد مذهبی، پاره ایی از نوآوریهای دین هندویی، در مانوایجاد

شد. این چهار مرحله عبارتند از: محصّل دوران جوانی(فصل دوم،صص246-69)، متأهل اهل خانواده(فصل

سوم، صص5-1، 169)، گوشه نشین بازنشسته( فصل ششم،صص32-1)، درویش ودوره گردمذهبی(فصل

ششم،صص97-33).در کتاب مانو رستگاری از طریق اطاعت از قانون، به ویژه قانون نظام طبقاتی کاست، به

دست می آید(هیوم،1382: 58-55).

**4- دین هندویی پارسامنشانه: بهاگاوادگیتا(قرن اول پس از میلاد)**

درمیان دین هندویی ، کتابی که هم میان هندوها وهم میان خارجیها بیش از همه مورد احترام است کتاب

بهاگاوادگیتا ست.این کتاب درسال 1785میلادی توسط چارلز ویلکینز متخصص زبان سانسکریت به‌انگلیسی

ترجمه شد ووارن هستینگز مقدمه ای بر آن افزود. سر ادوین آرنولد نیز این کتاب را به عنوان سرود آسمانی

ترجمه شد. این کتاب مقدس هندو چهل ترجمه مختلف دارد.

بها گاوادگیتا یک شعر حماسی است که از شروع یک جنگ آغاز می شود. سخنگوی اصلی در این کتاب،

کریشنای خدا در قالب یک ارابه ران است. کریشنا خود می گوید که وی به دلایل زیر تجسّد یافته است:

«**برای محافظت از آدمهای خوب، برای نابودی بدکاران، و برای برقراری مجدّد تقوی**»(فصل چهارم، سرود8).

از نکات بسیار برجسته دین هندویی پیشنهادی است که که در بهاگاوادگیتا در مورد رستگاری عمومی همه

گناهکاران(فصل چهارم،سرود 36؛ فصل نهم، سرود30) وزنان وسودراهای طبقۀ پایین جامعه(فصل نهم،

سرود32به عمل آمده است.

در این کتاب راجع به طبیعت غیرقابل تغییر چهارطبقه کاست از زبان مانو چنین آمده است:

**«منصب یک کشاتریا، که از طبیعت شایستۀ خود متولد شده، عبارت از قهرمانی، نیرو، ثبات، مهارت، عزم در جنگ، آزادمنشی وتحمل یک فرمانرواست. منصب یک وایشیه، که از طبیعت شایستۀ خود تولد یافته، عبارت از کشاورزی، نگهداری از رمه وتجارت است. منصب اساسی یک شودرا، که از طبیعت شایسته خود متولد شده، خدمتکاری است»(فصل هجدهم،سرود4-43). ادامه دارد.**

 **نویسنده: شهرزادکریمی**

1. - این مطلب آیه شریفه« وما خُلُقنُا الجِنُّ وُ الِانسَ الّا لِیَعبُدُون»(ذاریّات، 56)رابه ذهن می آورد. [↑](#footnote-ref-1)